

Original Article

Mongolian Traditional Medicine, a Combination of Other Nations' Traditional Medicine

MohammadReza Rajabnezhad¹, Shahriar Niknejad², Javad Mehrabi Koushki^{3*}

1. Assistant Professor, Research Institute for Islamic and Complementary Medicine, School of Traditional Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2. Ph.D. in Applied Mechanics, Researcher in Islamic Medical, Tehran, Iran.

3. M.Sc. Student in History of Medical Sciences, Department of the History of Medical Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: javadm222009@live.com

Received: 23 Apr 2019 Accepted: 31 Jul 2019

Abstract

Background and Aim: Mongols, like other ethnic communities, have had principles in medicine and lifestyle which have been influenced by their living conditions and environment. Finding Mongolian rules is a little difficult, because the Mongols lived in many lands during their life history and have always been influenced by the traditions and rules of a new land and Mongolian principles have been changed. As a result, it can be said that their medical beliefs also had many changes and have taken a new form. The aim of this study is to review the most ancient beliefs in traditional medicine and therapies of Mongols, to review the development of their traditional medical knowledge and the current situation.

Materials and Methods: In this research, historical books, articles and Internet resources about Traditional Mongolian medicine were searched with the key words of "Mongol" and "traditional medicine".

Findings: In this research, the effect of the Mongol's religious beliefs on treatment and health beliefs were assessed. The principles of traditional Mongolian medicine and the way of changes in traditional medicine knowledge under the influence of the medical knowledge of other nations and some of their therapeutic manners were expressed.

Conclusion: The most important factors affecting traditional Mongolian medicine were their religious beliefs which have been very mixed with witchcraft. Their traditional medical beliefs, practices have been gradually mixed with the traditions of other nations, such as "Tibet" and "India" and theories and techniques have been developed. Traditional medicine now has a valuable place among the Mongols and is used impressively.

Keywords: Shamanistic Tradition; Mongolia; Traditional Medicine; History of Medicine

Please cite this article as: Rajabnezhad MR, Niknejad SH, Asadi S. Mongolian Traditional Medicine, a Combination of Other Nations' Traditional Medicine. *Med Hist J* 2019; 11(40): 19-31.

طب سنتی مغولستان، ترکیبی از طب سنتی ملل دیگر

محمدرضا رجب‌نژاد^۱، شهریار نیک‌نژاد^۲، جواد مهربانی کوشکی^{۳*}

۱. استادیار گروه تاریخ پزشکی، مؤسسه مطالعات تاریخ علوم پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۲. دکتری مهندسی مکانیک، محقق و پژوهشگر طب اسلامی و مکمل، تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: javadm222009@live.com

دریافت: ۱۳۹۸/۲/۳ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۹

چکیده

زمینه و هدف: مغولان مانند دیگر اقوام بشری، اصول و قواعدی در طب و سبک زندگی داشته‌اند که برگرفته از شرایط و محیط زندگی ایشان بوده است، اما یافتن آن قواعد مغولی کمی مشکل است، چراکه مغولان در طی تاریخ حیات خود پا به سرزمین‌های فراوانی گذاشته و در نتیجه همواره تحت تأثیر رسوم و قواعد سرزمینی جدید بوده‌اند که اصول مغولی را دستخوش تغییراتی می‌کرده است، در نتیجه می‌توان گفت که باورهای طبی آنان نیز تغییرات فراوان داشته و همواره شکلی جدید به خود گرفته است. این پژوهش درصدد آن است که به مطالعه کهن‌ترین باورهای طب سنتی و روش‌های درمانی مغولان بپردازد و رشد و توسعه دانش طبی سنتی آنان را بررسی نموده و وضعیت فعلی آن را در مغولستان بیان نماید.

مواد و روش‌ها: این پژوهش به روش مطالعه کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی معتبر و جستجو در کتاب‌ها و منابع معتبر در رابطه با طب سنتی مغولی، صورت گرفته است.

یافته‌ها: در این تحقیق تأثیر عقاید مذهبی مغولان بر باورهای بهداشتی و درمانی آن‌ها بررسی شد و اصول و مبانی طب سنتی مغولی و چگونگی تحول در دانش طب سنتی آن‌ها بعد از ترکیب با دانش طبی ملل دیگر، بیان گشته و برخی از روش‌های درمانی آن‌ها ذکر گردید. همچنین جایگاه فعلی این طب در سیستم آموزشی و درمانی مغولستان و همین‌طور در میان مردم این کشور، بیان گردید. **نتیجه‌گیری:** از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر طب سنتی مغول، باورهای دینی آنان بوده که بسیار با جادوگری آمیخته بوده است. باورهای طبی جادوگرانه و سنتی آنان به تدریج با رسوم طبی ملل دیگر همچون «تبت» و «هند» ترکیب گشته و نظریه‌ها و تکنیک‌های آن توسعه یافته است. طب سنتی در حال حاضر جایگاهی ارزشمند در میان مغولان داشته و مورد استفاده چشم‌گیری قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: مغولستان؛ طب سنتی؛ تاریخ پزشکی؛ آیین شمنی

مقدمه

مغولان قومی از نژاد زرد می‌باشند که سرزمین مادری آنان مغولستان است. در حال حاضر مغولستان در شمال آسیای میانه قرار دارد و مناطق مغول‌نشین از سوی شمال با سیبری و از جنوب با چین محصور شده‌اند. پایتخت مغولستان «اولان باتور» است و با وجود این که نوزدهمین کشور بزرگ جهان از نظر مساحت است، اما کم‌تراکم‌ترین کشور جهان از نظر جمعیت محسوب می‌شود. سرزمین مغولستان آب و هوای سرد و خشک دارد و با بادهای سرد و شدید همراه است. این منطقه یکی از خشن‌ترین و سخت‌ترین آب و هواهای جهان را دارد (۱).

در سال ۱۲۹۹ شمسی مغولستان استقلال خود را از چین اعلام کرد و در سال ۱۳۱۴ شمسی به اتحاد با کمونیسم شوروی وارد گردید و نفوذ کمونیسم، رفته‌رفته باعث فروپاشی نهادهای مذهبی مغولستان گردید. از ۱۳۱۴ شمسی به بعد، طب سنتی این سرزمین که بسیار تحت تأثیر آیین حاکم در مغولستان، یعنی لامایسم، بود، ممنوع گردید. با این حال در دل مردم جای داشت و به طور مخفی ادامه پیدا کرد و از ۱۳۳۷ شمسی به بعد، دوباره اجازه ظهور در جامعه را پیدا کرد و رواج یافت. امروزه نیز همچنان طب سنتی مغولی محبوبیت خود را حفظ کرده و مورد استفاده بسیاری از بیماران است (۲).

این نوشتار در تلاش است تا به روش مطالعه کتابخانه‌ای و به وسیله منابع اینترنتی معتبر و جستجو در کتاب‌ها و منابع معتبر در رابطه با طب سنتی مغولی، کهن‌ترین باورهای طب سنتی مغولان را مورد بررسی قرار دهد و به این پرسش که عوامل رشد و توسعه طب سنتی در مغولستان چه بوده است، پاسخ دهد، همچنین جایگاه فعلی طب سنتی را در مغولستان بررسی و بیان کند. دوره زمانی مورد بحث در این مقاله، از قرن ششم شمسی تاکنون می‌باشد، چراکه اساساً تا پیش از ظهور چنگیز (بزرگ‌ترین رهبر تاریخی مغولان)، سخنی از واژه مغول در میان نبوده است. مغولان تا زمان چنگیزخان به صورت قبایل وحشی و پراکنده زندگی می‌کردند، از اواخر قرن

ششم شمسی (اوایل قرن هفتم) قبایل مغول توسط چنگیزخان یکپارچه شدند (۱).

مواد و روش‌ها

این پژوهش به روش مطالعه کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع اینترنتی معتبر و جستجو در کتاب‌ها و منابع معتبر در رابطه با طب سنتی مغولی، صورت گرفته است.

یافته‌ها

۱- تأثیر عقاید دینی بر سنت‌های طبی مغولان

آیین مغولان در ابتدا، ترکیبی از سحر و جادو بود که اصطلاحاً به آن «آیین شمنی» می‌گفتند. تا زمان «قوبیلای خان» (۶۷۳-۶۳۹ ش.)، همه «قآآن»‌ها به آیین شمنی معتقد بودند (منظور اوکتای‌خان پسر چنگیزخان است که وقتی بر تخت نشست، او را قآآن نامیدند). شمن‌باوری یا شمنیسم (Shamanism)، از دوران پیش از تاریخ در سراسر جهان وجود داشته است. «شمن‌باوران» معتقدند که به وسیله تماس با ارواح، می‌توان بیماری افراد را تشخیص داد و درمان کرد و یا در افراد ایجاد بیماری کرد. بزرگان دینی که سنت‌های شمن باورانه توسط آن‌ها اجرا می‌شود، «شمن» نامیده می‌شوند. شمن‌ها مدعی هستند که می‌توانند با روح خود به جهان‌های دیگری سفر کرده و با ارواح دیگر تماس بگیرند. آنان معتقدند که با این کار قادرند میان جهان مادی و جهان روحانی توازن برقرار کنند (۱).

پس از قوبیلای‌خان، «هلاکو» بر تخت سلطنت نشست و از این زمان به بعد بود که آیین بودا مورد پذیرش هلاکو و پس از آن «اباقآن» (پسر هلاکو) قرار گرفت و آیین شمنی تا حد زیادی رونق و اعتبار اولیه خود را از دست داد (۳)، البته این به مفهوم از بین رفتن کامل سنت‌های پیشین نبود و با وجود این که آیین شمنی رسمیت خودش را از دست داد، «اما این اتفاق در مورد رسوم دینی سنتی مغولان رخ نداد. ساحران هنوز فراوان و مورد احترام بودند و اباقا، ساحری به نام «براق» را که در سال ۶۵۴ شمسی به دیدار او رفت، با خوشحالی به حضور پذیرفت» (۴). بنابراین گرچه آیین رسمی مغولان

مغولان به سختی بیمار و نزدیک به مرگ می‌شد، نیزه‌ای که آن را با پارچه سیاه پیچیده بودند، در جلوی چادر او علم می‌کردند و دیگر، کسی حق ورود به داخل چادر او را نداشت. «هنگام جان‌کندن، همه از او دور می‌شوند و دیگر کسی حق ورود به اردوی رییس قبیله و یا اردوی امپراتور را نداشت، مگر پس از هلال نو. اگر بیمار از اشراف بود، پنجاه سوار در اطراف خیمه وی می‌تاختند و برای دفع شیاطین نیزه‌های خود را به حرکت درمی‌آوردند» (۵).

همچنین مغولان معتقد بودند که با دعا می‌توانند بیماری را از شخصی به شخص دیگر منتقل کنند. گفته شده که وقتی قآن بیمار شد «تولوی‌خان» (پسر چهارم چنگیزخان) بر بالین او آمد و قامات (کشیش مغولی و ساحر و جادوگر) مطابق با روش و رسوم آن‌ها به وسیله افسونی، رنج او را بر آبی در کاسه چوبی شستند. تولوی‌خان از شدت محبتی که به برادر خود داشت، آن کاسه را گرفت و با حالت تضرع بسیار گفت: ای خدای جاوید، تو می‌دانی که اگر گناه است، من بیشتر کرده‌ام، چه در فتح ولایات، خلاق را بی‌جان گردانیدم و زنان و فرزندان ایشان را اسیر کرده گردانیدم و اگر به جهت خوبی و هنرمندی، اوکتای قآن را میبری من خوب‌تر و هنرمندترم، او را ببخش و مرا به عوض او ببر. این سخنان گفته، آن آب را بخورد. قآن شفا یافت و او اجازت خواسته روان شد و بعد از چند روز رنجور شد و وفات یافت» (۶).

برای پیشگیری از بیماری‌ها هم روش‌های مغولان بی‌شباهت به روش‌های انسان‌های اولیه در پیشگیری از بیماری‌ها نبود، مثلاً مغولان برای پیشگیری از بروز بیماری روماتیسم، فرد را در معرض دود پهن قرار می‌دادند و یا ظرفی پر از خاک را که بر روی آن سنگ سیاهی قرار داشت، جلوی اتاق می‌گذاشتند (۳). همانطور که بیان گردید، باورها و روش‌های درمانی خرافی، سهم به سزایی در باورهای طبی مغولان داشته است. خالی از فایده نیست که برخی از باورهای بهداشتی آنان را نیز در ادامه بیان کنیم.

۱-۲- برخی از باورهای بهداشتی: آب در میان مغولان

بسیار مقدس بود و می‌بایست دور از هرگونه آلودگی قرار می‌گرفت، زیرا اعتقاد داشتند که ارواح در کنار آب‌های زلال و

بودیسم نبود، ولی با گسترش فراوان امپراطوری مغول که از غرب چین تا سرحد مصر امتداد داشت، زمینه مساعدی برای تعامل بین مذاهب و ادیان مختلف به وجود آمد و به این ترتیب آیین بودا هم رواج بسیاری یافت. آنچه که با مطالعه در میان منابع و مآخذ به دست می‌آید، این است که آیین غالب آنان مجموعه‌ای از رفتارهای جادوگری مانند احضار روح بوده است که توسط شمن‌ها اجرا می‌شده است. شمن‌ها که به نوعی مشاور روحانی بودند، به طور کلی خرافات را رواج می‌دادند و به کار احضار ارواح مشغول بودند (۳).

۲- اعتقادات بهداشتی و درمانی مغولان

در تشخیص و درمان بیماری‌ها، نقش اصلی در تشخیص و اجرای اعمال جادوگری بر عهده شمن‌ها بود. هنگامی که یک نفر بیمار می‌شد، ابتدا او را پیش شمن می‌بردند و او تشخیص می‌داد که بیماری او از انواع عادی بوده و یا ناشی از تأثیرات ارواح خبیثه و حلول آنان در جسم بیمار است. اگر تشخیص بر نوع دوم بود، آنگاه شمن‌ها نوع درمان را انتخاب کرده و سعی می‌کردند بر اساس آن ارواح خبیثه را از جان و روح بیمار دور کنند. این روش‌های درمانی بسیار متنوع و اکثراً بر اساس بر سحر و جادو بود و گاهی شمن‌ها سعی می‌کردند بیماری را از بدن بیمار دور و به بیمار دیگری منتقل کنند (۳). از آنجایی که مغولان خرافاتی بودند، بیشتر اوقات بیماری را ناشی از ارواح می‌دانستند. به عنوان مثال اگر کودکی بیمار می‌شد، بتی درست می‌کردند و بر بالین کودک می‌بستند و یا در دو طرف بستر بیمار شمشیرهای براق قرار می‌دادند (۵) تا بتوانند روح خبیثه‌ای را که موجب بیماری بوده است، از کودک دور کنند.

سنت دیگری که در میان مغولان بود، ادعای ارتباط با ارواح خیر و شر بود که با «پری‌داری» صورت می‌گرفت. کثیری در کتاب خود می‌گویند: در شهرها و مناطق ماوراءالنهر و ترکستان اکثر زنان مدعی «پری‌داری» بودند. پری‌داری به این معنی بود که «... اجنه با او سخن می‌گویند و هر کسی که بیمار شود یا ناراحتی داشته باشد، ضیافتی ترتیب می‌دهند و پری‌خان را دعوت می‌کنند و به رقص می‌پردازند تا بلکه آن بیماری و ناراحتی دفع گردد. نظایر چنین خرافاتی را بیشتر مردم عوام پیروی می‌کنند» (۳) و یا هنگامی که یکی از

چنگیزخانیان به جایی رسید که وضو و غسل مسلمانی ممنوع شد و شستشوی البسه نیز تابع پاره‌ای شرایط بود (۶).
 باورهای سنتی مغولان که بسیار با سحر و جادو آمیخته بوده است، مهم‌ترین عامل مؤثر بر روش‌های درمانی و رفتارهای بهداشتی ایشان بوده است.

۳- تحول در طب سنتی مغول

متون پزشکی مغولی ریشه در تاریخ دارد. برخی از آنان بیش از ۸۰۰ سال قدمت دارد. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که در حدود قرن پنجم شمسی (۱۱ م)، مغولان بسیاری از درمان‌های پزشکی خود را بر اساس محیط زیست، فرهنگ و شیوه زندگی خود ایجاد کرده‌اند (۸). پیدایش دانش پزشکی بومی مغولی، قبل از ظهور بودیسم در مغولستان، ارتباط نزدیکی با تجارب حاصل از شیوه زندگی عشایری و معنوی، شرایط آب و هوایی خشن و گروه‌های نظامی تحت رهبری خان مغولان داشت. تنظیمات استخوان، سوزاندن رگ‌ها، حجامت، ماساژ و... از درمان‌های رایج در میان آنان بود که امروزه نیز برخی از آنان مورد استفاده قرار می‌گیرند. مغولان از طریق شیوه زندگی خود، با آناتومی، فیزیولوژی و آسیب‌شناسی دام‌های خود و دانش گیاهان دارویی آشنا شدند. آزمایش‌های درمانی انجام‌شده بر روی احشام بیمار و نتایج مطلوب حاصل از آنان نشان داد که اغلب در مورد انسان نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. این درمان‌های تجربی در نهایت در رساله پزشکی مغولی بودایی سنتی جمع‌آوری گردید (۹). بنابراین به تدریج، تشخیص و درمان بیماری‌ها در میان مغولان، با سبک زندگی آنان ارتباط عمیقی پیدا کرد و توسعه یافت.

پزشکی بودایی سنتی در مغولستان، در مراحل مختلف توسعه، در قرن هشتم شمسی (۱۴ م) با دو ترجمه متفاوت از متن «The Golden Light Sūtra» از تبت، تهیه‌شده توسط «Sharavsenge» و «Güüsh Dambadorj» آغاز شد. علاوه بر «Golden Light Sūtra»، کتاب‌هایی همچون «چهار بخش (شاخه) پزشکی» نوشته‌شده توسط «Brgyud Bzhi» که کتابی شناخته‌شده در مغولستان است، در قرن هشتم شمسی (۱۴ م) از تبتی به مغولی ترجمه شد و به یکی از

جویبارها زندگی می‌کنند. بنابراین لباس‌ها و وسایل دیگر خود را به ندرت در آب می‌شستند و حتی در مواقعی از سال، حق شستن بدن‌های خود را نیز در آب نداشتند. این مسأله با رعد و برق و صاعقه ارتباط پیدا می‌کرد. از نظر آنان در برخی از فصل‌ها آبتنی کردن در روز و حتی شستن دست و لباس در جوی آب و پهن کردن آن در صحرا، برداشتن آب با ظروف طلا و نقره و به طور کلی ظروف فلزی دیگر ممنوع بود، زیرا معتقد بودند که خداوند خشمگین می‌شود و رعد و برق نازل می‌کند. «یاسای چنگیزی برای احترام به روح آب، قدغن کرده بود کسی در آب جاری لباس یا سر و تن بشوید. مغولان باید آنقدر لباس خود را می‌پوشیدند تا پاره شود. چنگیزیان میل نداشتند کسی بگوید چیزی کثیف است و به نظر آنان همه چیز پاکیزه بود» (۷). روبروک می‌نویسد: «زنان مغول هرگز لباسهایشان را نمی‌شویند و معتقدند خداوند خشمگین می‌شود و صاعقه بر سرشان نازل می‌کند، حتی ظروف خود را نیز جز با آب داغ درون دیگ نمی‌شوید». آنان پوشاک خود را حتی در معرض باد و آفتاب آویزان نمی‌کردند تا مبادا هوا آلوده شود. آنان حتی کسانی را که لباس‌ها را می‌شستند کتک زده و از خود می‌رانند»، البته نمی‌توان گفت که آنان هیچ‌گاه خود را نمی‌شستند. این گفته معقولانه‌تر و صحیح‌تر است که «در فصل بهار و تابستان کسی در آب ننشیند و ... (چراکه) در آن منطقه از اول بهار تا آخر تابستان اکثر اوقات باران می‌بارد و تصاعد رعد به حدی بود که از شدت ترس...». بنابراین عدم شستشو در این دو فصل و آن هم به خاطر ترس از رعد و برق بوده است. مارکوپولو در خصوص شستشوی نوزادان مغولی می‌گوید «مغول‌ها فقط نوزادان را استحمام می‌کردند، سه روز پس از تولد، قوری خانوادگی را با آبی نمکین به دقت شستشو می‌دهند و قوری را از همان آب پر می‌کنند و نوزاد را با آن می‌شویند. سه روز بعد نوزاد را با آب نمک می‌شویند. در پایان سومین هفته نوزاد را با مخلوط شیر و آب می‌شویند. در پایان هفته چهارم نوزاد را با شیر مادرش شسته تا از ناراحتی‌های پوستی در امان باشد. پس از این استحمام چهارگانه فرد مغول تا پایان عمر حمام نمی‌کند.» حرمت آب‌های جاری نزد

مهم‌ترین کتاب‌های پزشکی در طب مغولی بودایی تبدیل گردید. کامل‌ترین ترجمه «چهار شاخه پزشکی» در سال ۱۰۹۸ شمسی (۱۷۲۰ م.) فراهم گردید. ترجمه «Minjüüdorj» از «چهار شاخه پزشکی» به عنوان دقیق‌ترین ترجمه در نظر گرفته می‌شود و همچنان کتابی مفید برای پزشکان، محققان و دانشجویان رشته پزشکی مغولی سنتی می‌باشد. از آن به بعد، پزشکی مغولی سنتی با به کارگیری دانش پزشکی هندی و بودایی تبتی و دانش به دست‌آمده از سنت‌های پزشکی چینی تکامل یافت (۹).

در پایان قرن دهم شمسی (۱۶ م.) بودیسم در مغولستان ظهور کرد و طب «تبتی» که از طب آیورودای هند سرچشمه گرفته بود، به تصویب رسید. در واقع هسته اصلی طب سنتی مغولی، طب تبتی مشتق از طب آیورودا است که توسط مبلغان بودایی تبت در قرن دهم شمسی (۱۶ م.) معرفی شد و با توجه به شرایط مغولی، بیماری‌ها و داروها و مواد آنان اصلاح شده و گسترش یافته است (۲).

مغولان به تدریج موفقیت‌های زیادی را در پرورش طب تبتی در خاک مغولستان به دست آوردند، از طریق: تجدید نظریه پزشکی تبت، تعویض برخی از گیاهان دارویی با آنانی که در مغولستان رشد کرده بودند و تکمیل برخی از درمان‌هایی که با عناصر سحر و جادو عجین بودند. در واقع الگوی جدیدی از داروهای مغولی با ترکیبی از طب تبتی ایجاد گردید. محرک دیگر برای ایجاد الگوی جدید طب مغولی، مجموعه‌ای کامل از تفاوت‌های مغولان از جمله ویژگی‌های فیزیولوژیکی، مصرف مواد غذایی آنان، آب و هوای متغیر خشن، شیوه زندگی، طرز فکر آنان و... بود. در جایی که آنان با ضرورت ایجاد تئوری و عمل در درمان‌های طب تبتی مواجه می‌شدند، نظریات تبتی را با علم خود تکمیل می‌کردند. به عنوان مثال طب تبتی فاقد درک خاص ماساژدرمانی مانند مالش ملایم، دادن فشار و... است که درمانی مفید بود، اما شکستگی‌ها و آسیب‌ها از اتفاقات روزمره در زندگی مغولان بودند. چنین فقدان‌هایی در طب تبتی، توسط پزشکان و دانشمندان مغول تکمیل شده است (۸).

این دانش در قرن دوازدهم و سیزدهم شمسی (هجدهم و نوزدهم میلادی) به اوج خود رسیده و از سال ۱۳۰۲ شمسی شروع به جذب نظریه‌های پزشکی غربی به چارچوب خود نمود، در نتیجه امروزه با دو انتخاب مختلف از آموزش پزشکی بودایی سنتی در مغولستان رو به رو هستیم: یکی که شامل اصول طب غربی واردشده به سیستم سنتی می‌باشد؛ دیگری که منحصراً بر دانش پزشکی سنتی و آیین شفای بودایی تمرکز دارد (۹)، در نتیجه مغول‌ها موفق به ایجاد نظام پزشکی مغولی کامل بر اساس درمان سحر و جادو و همچنین آیورودای هند و نیز با افزودن طب سوزنی چینی و نظریه و روش‌هایی از طب تبتی به خود شدند (۸). نقش مهم بودیسم و پس از آن آشنایی با طب تبتی و آیورودایی در تحول و پیشرفت طب سنتی مغولی به طور کامل روشن است که گرچه در طی سالیان دراز صورت پذیرفته، اما نتایج درخشانی در پی داشته است.

با توجه به ارتباطات تاریخی نزدیک مغولان با تبت و اشکال مختلف بودیسم که در قرن هفتم و هشتم شمسی (سیزدهم و چهاردهم میلادی) آغاز شد و با توجه به قرن‌ها مبادلات فکری بین محققان مغولی و بودایی تبتی، دانش پزشکی بودایی تبتی تشکیل‌دهنده گسترده‌ترین بخش پزشکی مغولی سنتی است. علاوه بر مطالعه متون پزشکی تبتی، مغولان برخی از کتاب‌های درسی پزشکی را نیز از چینی ترجمه و طب سوزنی و فتیله‌گذاری آنان را نیز تجزیه و تحلیل کردند. یکی از این متون «A Compedium» در مورد طب سوزنی و فتیله‌گذاری می‌باشد که توسط «Khatgakh Töönökh» در ۹۷۹ شمسی نوشته شده و در ۱۰۳۸ شمسی به مغولی ترجمه گردیده است. در قرن یازدهم شمسی (۱۷ م.) پزشکان بودایی مغولی با آثار چینی در طالع‌بینی و پزشکی کلاسیک مانند «Huangdi Neijing» آشنا شدند (۹).

نقش قوی آیین بودا فراتر از عناصر آشکار مذهبی، مانند استفاده از خدمات مذهبی (همچون دعا) برای شفا می‌باشد، بلکه همچنین شامل استفاده از راهبان بودایی در همه جا مانند مؤسسات آموزشی و عملیاتی TMM (طب سنتی

مغولی) نیز می‌شود. TMM شامل طیف متنوعی از مداخلات، از جمله دارودرمانی، فیتله‌گذاری شناخته‌شده سبک مغولی به عنوان «Tooniür» و حجامت‌درمانی که به عنوان «Khanuur» شناخته شده است، می‌باشد (۲)، حتی امروزه برخی از پزشکان مغولی نیز راهبان بودایی هستند، به ویژه در مغولستان بیرونی (مغولستان بیرونی همان کشور مستقل مغولستان است. مغولستان داخلی نام منطقه‌ای خودمختار در چین است که از سوی شمال با مغولستان و روسیه هم‌مرز است. ۸۰٪ جمعیت در مغولستان داخلی، چینی و از قوم هان هستند). آنان معتقدند عبادات، مدیتیشن، انجام مراسم شفا و خدمت به نمازگزاران در مراسم شفا، به دفع بدبختی و بیماری کمک می‌کند. بسیاری از آنان از طالع‌بینی و محاسبات نجومی استفاده می‌کنند. این پزشکان با این روش‌ها برای از بین بردن استرس، افسردگی، ناراحتی عاطفی و راندن افکار منفی از ذهن تلاش می‌کنند (۱۰).

۴- اصول و مبانی طب مغولی

درمان دارویی مغولی ترکیبی از کاوش در تعادل بدن، هماهنگی معنوی انسان و محیط طبیعی است. مقالات پزشکی باستان به استفاده از مواد معدنی معمولاً به شکل پودر فلزات یا به استفاده از سنگ به عنوان دارو اشاره می‌کند و این‌که گیاهان نیز به دقت جمع‌آوری و برداشت می‌شده‌اند. به گفته پزشکان باستان، هر گیاه استفاده‌ای به عنوان دارو دارد. حفظ، جمع‌آوری و استفاده از گیاهان بومی وحشی بخشی از آموزش و پرورش یک دکتر در مغولستان است (۱۰).

پزشکی مغولی از تجربه‌های زندگی در اطراف گله‌های دام، گشتی، سواری و مبارزه در چمن‌زارهای وسیع رشد یافته است. به طور سنتی هنر پزشکی تحت نظارت بودایی‌های لاما بود. این پزشکان لامایی از دانش انبوه طب سنتی حفاظت می‌کردند. با توجه به مبانی پزشکی مغولی، بدن انسان و طبیعت وحدت اضداد است. طبیعت «پنج عنصر» دارد: زمین، آب، آتش، هوا و فضا. بدن انسان نیز شامل موادی از همین پنج عنصر است. پزشکان کشف کرده‌اند که سه منبع مؤثر بر بدن مادی عبارتند از «Heyi» یا هوا، «Xila» یا گرما و «Badagan» یا سرما و باید هفت مؤلفه اصلی: مواد غذایی،

خون، عضله، چربی، استخوان، مغز و اسپرم نیز بررسی شود (۱۱). بنابراین طب سنتی ملیت مغول با بررسی «حیی»، «شی لائو» و «با داگن» پدیده‌های فیزیولوژی و پاتولوژی بدن انسان را تشریح می‌کند (۱۰). اعتقاد بر این است «Heyi» قدرت بدن را به حرکت درمی‌آورد، مثل همین هدایت تفکر، زبان و حرکات‌های خارجی و داخلی بدن. اگر «heyi» نامتعادل باشد، وضعیت سلامت اندام‌های داخلی کاهش خواهد یافت و علائم غیر طبیعی در هوش و حواس رخ می‌دهد و فرد دچار بیخوابی، ضعف حافظه و... می‌شود (۱۰). «xila» یا «شی لای» معنای حرارت را دارد. حرارت بدن ارگانیسم، انرژی گرمای هر جهاز بافتی و مشوق روحیه و... است. شی لای بیش از حد، با طعم تلخ در دهان، ترشی و اضطراب در خلق و خوی، و بیماری آشکار می‌شود، «Badagan» به نوعی مواد چسبنده در بدن گفته می‌شود که ماهیت سردی دارد. «Badagan» به صورت سردی و آنفولانزا، با ترشح مایعات زیاد آشکار می‌شود. اگر تعادل کارکرد «بادگن» از بین رود، به غیر از علائم سرمای معمولی، مشکلات دیگری نیز در بدن رخ می‌دهد (۱۲). بنابراین پزشکان مغولی روابط متقابل بین منابع سه گانه و هفت مؤلفه ذکرشده را، برای پیدا کردن بی‌نظمی و اختلال در جهت ارائه یک تشخیص بررسی می‌کنند.

در درمان پزشکی مغولی به طور سنتی از مقدار کمی دارو برای درمان بیماری استفاده می‌شود. هزینه آن کم‌تر و روش‌های آن راحت و آسان است. درمان‌های آنان به طور قابل ملاحظه‌ای، بدون آسیب هستند. امروزه از داروهای مغولی برای درمان و پیشگیری از بیماری‌های مزمن و سخت نیز استفاده می‌شوند، همچون مشکل معده، اختلال کبد و کیسه صفرا، بیماری عروق کرونر قلب، بیماری‌های زنان و مشکلات مربوط به خون، پوست و استخوان (۸). در قرن دهم شمسی (۱۶ م.) طب هند باستان و طب تبتی به طور کامل به درمانانی مغولی ملحق گردیدند.

تدارکات پزشکی استفاده‌شده برای درمان اختلالات، مخلوط پیچیده‌ای از مواد متفاوت و به طور عمده از گیاهان، هستند، اما گاهی حاوی مواد معدنی و داروهای حیوانی مانند

مشک و یا کبد گوسفند نیز می‌شوند. به طور کلی، یکی از مواد تشکیل‌دهنده دارو به عنوان ماده اصلی و برجسته آن محسوب می‌شود و باقی‌مانده مواد، حمایت‌کننده تأثیرات آن ماده اصلی هستند (در واقع برخی مواد تشکیل‌دهنده به عنوان کیفیت اصلی و بقیه مواد به عنوان کیفیت ثانویه، مطرح هستند). به طور کلی، بیماری‌های داغ با داروهایی که به طور عمده طبیعت خنک‌کننده دارند، درمان می‌شوند و بیماری‌های سرد برای درمان به داروهایی با طبیعت گرم نیاز دارند. اثر محصول دارویی تا حد زیادی به ترکیب مناسب مواد تشکیل‌دهنده آن با توجه به خصوصیات ذاتی آنان بستگی دارد. کیفیت مواد تشکیل‌دهنده در درمان بیماری گرم متفاوت از کیفیت مواد تشکیل‌دهنده در درمان بیماری سرد است. بنابراین بسیار مهم است که کیفیت اصلی و کیفیت ثانویه در مواد تشکیل‌دهنده دارو، به صورت متعادل با هم ترکیب شوند، در غیر این صورت دارو به جای اثر مطلوب ممکن است اثر سوء بر روی بیمار داشته باشد. در گذشته، هر پزشک سنتی، داروی بیماران خود را با توجه به نسخه‌های متون پزشکی و یا تجربیات خود آماده می‌کرد. امروزه حالت آماده آن داروها، تا حد زیادی تغییر کرده است (۲).

۵- برخی از درمان‌های سنتی مورد استفاده مغولان

۵-۱- استفاده از سحر و جادو: بویل در کتاب خود آورده است: تا پیش از پیدایش بودیسم در میان مغولان، اساس طب آنان بیشتر بر مبنای به کارگیری جادوگری و خرافات بود. بیشتر کارهایی که شمن‌ها برای درمان بیماری‌ها انجام می‌دادند، مشابه روش‌هایی بود که در میان همه ملل غیر متمدن در سراسر دنیا وجود داشت و آن آمیزه‌ای از کارهای جادوگری برای بر سر لطف‌آوردن خداوند و دور کردن ارواح شیطانی بود (۵) یکی از این موارد، «بلعیدن کاغذ» است: در سال ۱۲۹۸ شمسی در شرق مغولستان مستند سفارشی تاریخی خوردن یک تکه کاغذ با کلمات چاپ‌شده بر روی آن، به منظور جلوگیری یا التیام‌بخشیدن زخم‌ها یافت شد. اندازه آن در حدود ۲۴×۴۵ میلی‌متر و به صورت یک طلسم جادویی بود که دستورالعمل استفاده از آن نیز بر روی آن نوشته شده

بود. این عمل (خوردن کاغذ حاوی طلسم) احتمالاً بخشی از طب محبوب لامائیسم در مغولستان بوده است (۲).

همانطور که بیان گردید، روش‌های درمانی سنتی مغولان در طی قرون متمادی، تفاوت و پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته است که به ذکر برخی از انواع این درمان‌ها می‌پردازیم:

۲-۵- هنر استخوان: از شاخه‌های منحصر به فرد پزشکی مغولی که توسط «باریاچی‌ها» (Bariachis) منتقل شده است، تخصص هنر استخوان است. فن شکسته‌بندی طب سنتی مغول شامل بازگرداندن استخوان به حالت عادی، مالش و ماساژ، درمان با داروهای جوشانده، مراقبت و آموزش درمانی، دفع مسمومیت، بهبود سیستم‌های بدن و درمان عضلات و مفاصل است.

«باریاچی‌ها» بدون دارو و یا ابزار کار، تنها با تکیه بر روی دست‌های خود و با دستکاری استخوان، آن را به موقعیت مناسب خود برمی‌گردانند. «باریاچی‌ها» مردمی عوام و بدون آموزش پزشکی هستند و آنان این کار را به عنوان سنت خانوادگی خود دنبال می‌کنند. به نظر می‌رسد که این عمل سنتی رو به کاهش است و هیچ تحقیقات علمی بر روی آن انجام نشده است. این روش برای درمان بیماری‌های مربوط به شکستگی استخوان و دررفتگی مفاصل یا آسیب بافت نرم مشهور است. روش درمان استخوان دارای شش بخش است: نوسازی، تعمیرکردن، ماساژ، حمام گیاهی، مراقبت و نفاخت. این روش تابعی از انتشار سم و تسکین‌دهنده رگ و پی و سرعت خون می‌باشد (۱۲).

پیدایش چنین درمانی در میان مغولان می‌تواند ناشی از سبک زندگی کوهستانی و جنگاوری‌های آنان باشد که به دلیل اسب‌سواری‌ها و جنگ‌ها و زندگی در نقاط خشن به تعدد دچار شکستگی‌ها و مشکلات استخوانی می‌شدند.

۳-۵- روش هوشمند (DOM): روش «هوشمند» سنتی مغولی از درمان‌های خانگی است که بسیار قدیمی و بر اساس خرافات است. به عنوان مثال آویختن عکسی از یک خر (در برخی منابع به عکس روباه اشاره شده است) بر بالای تخت کودک کمک خواهد کرد که او راحت به خواب رود. هوشمند شامل شمارش تعداد دفعات تنفس است مشابه به تکنیک‌های

آن قسمت مربوطه از بدن گرم شود (۲). روش مخصوص معالجه مغولی نیز سوزاندن لوله گیاهی بنام «کنگر بای شان» و گیاهی به نام «سی خه لیو» و... است (۱۰).

۷-۵- روش درمان با شیر مادبان: یکی دیگر از درمان مغولی منحصر به فرد شامل تخمیر شیر مادبان یا «Koumiss» می‌باشد. درمان Koumiss یک درمان رژیم غذایی مشهور برای تقویت بدن پس از ضعف است. همچنین برای درمان شوک و یا درد در قفسه سینه یا در ناحیه قلب استفاده می‌شود (۱۲). پژوهش‌ها ثابت می‌کند در شیر مادبان عناصر مفیدی برای بدن وجود دارد. برای نمونه قند، پروتئین، چربی، ویتامین و... خاصه میزان محتوای ویتامین «سی» نسبتاً زیاد است. به غیر از این، اسیدآمین، اسیدلاکتیک، مخمر، ماده معدنی، ماده معطر و عناصر دیگری نیز در آن موجود است (۱۰).

۶- دوره‌های حساس برای طب سنتی در جمهوری مغولستان

در سال ۱۲۹۹ شمسی مغولستان استقلال خود را از سلطه چین اعلام کرد و در سال ۱۳۰۲ شمسی حزب انقلابی خلق مغولستان، جمهوری خلق مغولستان را تأسیس کرد. کمونیست‌های اتحاد جماهیر شوروی که همسایه جمهوری مغولستان بودند، نفوذ زیادی را در سیاست مغولستان اعمال کردند، در سال ۱۳۱۴ شمسی جمهوری مغولستان به اتحاد با این همسایه قدرتمند خود وارد شد و معاهدات دوستی و همکاری بین آن‌ها امضا گردید. نفوذ کمونیسم شوروی در مغولستان موجب تغییرات اساسی در ساختار سیاسی و اجتماعی مغولستان گردید. Lamaism (از فرقه‌های بودایی) به عنوان مذهبی که تا قرن چهارده شمسی (۲۰ م.) زندگی مردم تحت سلطه آن قرار داشت، به طور رسمی ممنوع اعلام شد. در سال ۱۳۱۵ شمسی تخریب صومعه‌ها و آزار و اذیت راهبان آغاز شده بود و در جهت فروپاشی نهادهای مذهبی و پس از آن نیز فروپاشی سیستم سنتی پزشکی هدایت شد. طب غربی تنها سیستمی شد که اجازه اجرا داشت و برای مدت طولانی درمان‌ها و داروهای مغولی باستانی ممنوع بود. با این حال، طب سنتی هنوز هم بسیار محبوب بود و تقریباً

تنفس یوگا که به تسکین مشکلات روانی و پریشانی کمک می‌کند (۱۲). شاید بتوان این روش را فراتر از یک خرافه، در واقع نوعی روش درمانی با کمک تلقین به بیمار و یا پرت کردن حواس او از رنجی که می‌برد، دانست که می‌تواند مؤثر نیز باشد.

۴-۵- روش درمان با خون‌گیری: حجامت برای از بین بردن عوامل گرما ناشی از خون و یا «Xila» که یک بیماری است که باعث خونریزی از زخم، طاعون، ادم، اتساع شکم، نقرس، سل و... می‌شود، استفاده می‌شود. هنر باستانی حجامت اجازه می‌دهد تا حرکت انرژی حیاتی و وضعیت خون در بدن انسان بهبود یافته و این بیماری درمان می‌شود (۱۲). در محلی معین، مجرای رگ بریده و یا سوراخ می‌شود و خون‌گیری انجام می‌گردد. از این طریق خون بیمار جذب می‌شود و درمان و پیشگیری از بیماری‌ها صورت می‌گیرد. این روش به دو اقدام آمادگی قبل از عمل جراحی و خون‌گیری تقسیم می‌شود (۱۰).

۵-۵- روش درمانی از طریق بادکش کردن و سوراخ کردن:

این روش، روش درمانی بیرونی است که بادکش کردن در آن با خون‌گیری ترکیب می‌شود: ابتدا محلی را بر روی بدن برای بادکش تعیین می‌کنند. سوزن‌زنی و سپس بادکش انجام می‌شود تا خون‌های کثیف از بدن خارج شده و حرکت خون عادی شود. درمان بیماری با این روش ساده در بخش‌های عضلانی، با ارتجاع زیاد، بدون موی بدن و سر انسان و فرورفتگی و برآمدگی استخوان انجام می‌شود. خصوصیات این روش عبارتند از: شفابخشی سریع، درمان در کوتاه‌مدت، سادگی، فقدان درد و... (۱۲).

۶-۵- فتیله‌گذاری (سوزاندن گیاه و دود دادن آن در

نقاط مناسب بدن): فتیله‌گذاری مغولی عبارت است از عمل سوزاندن «Mugwort» بر بالای نقاط طب سوزنی. طب تبتی نیز این روش را به تصویب رسانده، این روش در رابطه با طب سوزنی و ماساژ، برای تسکین درد و بیرون‌راندن بیماری استفاده می‌شود (۱۰). در فتیله‌گذاری مخروطی ساخته‌شده از پودر گیاهی بر روی نقطه خاصی از بدن گیر می‌کند. پس از آن، مخروط روشن می‌شود تا به آرامی از پایین سوزانده شود و

همه از آن مخفیانه استفاده می‌کردند، به خصوص در مورد بیماری‌های مزمن. در سال ۱۳۳۷ شمسی برخی از تلاش‌های برای ترویج طب سنتی و آغاز دوباره تحقیقات بر روی گیاهان دارویی مورد استفاده در طب سنتی و مفاهیم پزشکی سنتی آغاز گشت. در پایان قرن گذشته پس از تغییرات سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی، همه محدودیت در اعمال و اجرای طب سنتی در جمهوری مغولستان به طور کامل برداشته شد و پزشکی مرسوم مغولی، به رسمیت شناخته شد (۲). پزشکان مغولی ماهر که آنان را امچی (Emchi) می‌نامیدند برای قرن‌ها در آسیای مرکزی و چین مورد احترام قرار گرفتند. در طول سلسله‌های مینگ و چینگ این پزشکان در دادگاه‌های چینی خدمت می‌کردند (۱۱).

۷- تداوم طب سنتی در مغولستان معاصر

در حال حاضر، پس از سال‌ها ممنوعیت رسمی طب سنتی مغولی، بسیاری از بیماران مجدداً به طور گسترده‌ای با روش‌های سنتی و داروهای آن به عنوان یک جایگزین و یا یک روش مکمل طب غربی درمان می‌شوند. در بیمارستان‌های مختلف و در درمانگاه‌های غربی، روش‌های سنتی برای تشخیص و درمان مورد استفاده قرار می‌گیرند. در دهه گذشته بسیاری از کلینیک‌های کوچک برای ارائه درمان‌های سنتی ایجاد شده اند. امروزه طب سنتی مغولی در مؤسسات مختلف واقع در پایتخت جمهوری (اولانباتور) تدریس می‌شود. دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی مغولستان تمام مدارک تحصیلی در طب سنتی را ارائه می‌دهد و به ترویج تحقیقات در این زمینه می‌پردازد. سایر مراکز آموزش علمی مدرن در طب سنتی، کالج‌های خصوصی «Manba Datsan» و «گروه Monos» هستند (۲). بیمارستان‌های صومعه بودایی و یا Datsans به طور قابل توجهی از ارائه‌دهندگان مراقبت‌های پزشکی هستند و مسؤول آموزش و پرورش تعداد قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان TMM می‌باشند. در دهه ۱۳۷۰ شمسی پزشکان مغولی از هر دو کشور چین و مغولستان شروع به جمع‌آوری و انتشار این دانش ارزشمند کردند. امروزه دانشمندان در حال ترجمه کردن «سوترای قدیمی» نوشته‌شده

در مغولستان، تبت و زبان سانسکریت به زبان انگلیسی، آلمانی و چینی هستند (۱۰).

داروهای سنتی - مغولی، چینی و تبتی - محبوبیت زیادی را در سراسر جهان به دست آورده‌اند و به عنوان جایگزینی برای طب مدرن غربی که می‌تواند آسیب‌زا و وابسته‌کننده به مواد شیمیایی باشد، محسوب می‌شوند. در سال‌های اخیر مغولستان داخلی بازسازی شده است و به گسترش بسیاری از دانشکده‌های پزشکی خود برای پاسخگویی به نیاز رو به رشد بیماران به پزشکان سنتی ماهر پرداخته است (۱۱). در مغولستان معاصر، TMM (طب سنتی مغولی) با استفاده از تعدادی از مصحفات طب سنتی، مانند اولانباتور سوویل (Suvilal Ulaanbaatar)، به عنوان بخشی از یک دوره آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی مغولستان (HSUM) تدریس و در سیستم بیمه خدمات درمانی دولتی، اجرا می‌شود (۱۰).

نتیجه‌گیری

آیین مغولان در ابتدا مخلوطی از جادوگری و احضار روح بوده است که شمنیسم نامیده می‌شده و طب مغولان نیز بسیار متأثر از آیین آنان بوده است. شمن‌ها که مجریان این درمان جادوگرانه بودند، با سنی همچون ادعای ارتباط با ارواح خیر و شر به درمان می‌پرداختند. علاوه بر سحر و جادو، طب سنتی مغولان ارتباط نزدیکی با شیوه زندگی عشایری و فرهنگ آنان داشته که بر اساس سبک زندگی آنان درمانانی تجربی از قبیل تنظیمات استخوان، حجامت و... در میان آنان رایج بوده است. با رواج بودیسم در مغولستان، طب سنتی آنان نیز دچار تحولات شگرفی گردید و طب تبتی که خود نشأت گرفته از طب آیورودای هندی بود، در مغولستان به تصویب رسید. به تدریج مغولان موفق به ایجاد نظام پزشکی کاملی بر اساس سحر و جادو، مصوبات آیورودای هند و نیز طب سوزنی چینی و روش‌هایی از طب تبتی گردیدند که می‌توان گفت دانش پزشکی تبتی بودایی تشکیل‌دهنده گسترده‌ترین بخش طب سنتی مغولی است.

پزشکان مغولی کشف کرده‌اند که سه منبع مؤثر بر بدن مادی عبارتند از: Heyi یا هوا (نیروی محرکه قدرت بدن)، Xila یا گرما (حرارت) و Badagan یا سرما (نوعی مواد چسبنده در بدن با ماهیت سردی) و در تشخیص نوع بیماری، علاوه بر بررسی روابط متقابل بین سه منبع ذکرشده، هفت مؤلفه اصلی: مواد غذایی، خون، عضله، چربی، استخوان، مغز و اسپرم نیز باید بررسی شوند. این دانش در قرن دوازدهم و سیزدهم شمسی (هجدهم و نوزدهم میلادی) به اوج خود رسید و از سال ۱۳۰۲ شمسی شروع به جذب نظریه‌های پزشکی غربی به بدنه خود نمود. در نتیجه امروزه با دو انتخاب مختلف از آموزش پزشکی بودایی سنتی در مغولستان رو به رو هستیم: یکی که شامل اصول غربی واردشده به سیستم سنتی می‌باشد؛ دیگری که منحصراً بر دانش پزشکی سنتی و آیین شفای بودایی تمرکز دارد.

تنوع تأثیرپذیری‌های طب سنتی مغولی از طب ملل دیگر، بسیار چشم‌گیر است و طب سنتی آنان همواره با به کارگیری دانش طبای ملل دیگر در حال تحول و پیشرفت بوده است. طب سنتی مغولی علی‌رغم این‌که در دوره‌های زمانی خاص ممنوعیت اعمال داشته و دوره‌های حساسی را پشت سر گذاشته، اما همچنان محبوب باقی مانده و در حال حاضر نیز به طور گسترده‌ای بسیاری از بیماران را تحت درمان خود دارد.



شکل ۱: نقشه جغرافیای سیاسی مغولستان

References

1. Available at: <http://www.wikipedia.org>.
2. Kletter C, Sabine G, Theresia TH, Samdan N. Traditional Mongolian Medicine: A Potential for Drug Discovery, *Sci. Pharm* 2008, 76(1): 49-64. Available at: <https://doi.org/10.3797/scipharm.0802-04>.
3. Kasiri M. Medicine in the Mogul period. Esfahan: University of medical sciences and health services Esfahan; 2007. p.17-21. [Persian]
4. Boyel J. Iran's history from the coming of the Seljuk to the collapse of the Ilkhan state. Translated by Anosheh H. Tehran: Amir Kabir Pub; 2007. [Persian]
5. Eshpoler B. Mughal history in Iran. Translated by MirAftab M. Tehran: Science and Culture Publication Co; 2006. p.180. [Persian]
6. Tahan M. Beliefs, Mughal customs. *Quarterly Journal of Research* 2014; 3(12): 43-44. [Persian]
7. Dehghan M. Mongol Religious Toleration and Tolerance. *Imam Khomeini Institute of Educational and Research Institute* 2010; 2(6): 89-119. [Persian]
8. Sartor V. Traditional Mongolian Medicine in China. 2007. Online. Available at: http://www.china.org.cn/china/2007-07/30/content_1219076.htm.
9. Wallace Vesna A. The Method and Wisdom Model of the Medical Body in Traditional Mongolian Medicine. London: Routledge; 2015.
10. Available at: <http://www.thepindoctor.blogspot.com>.
11. Available at: <http://SalamatIranHealersParastari.com>.
12. Available at: <http://www.021dr.com/135>.